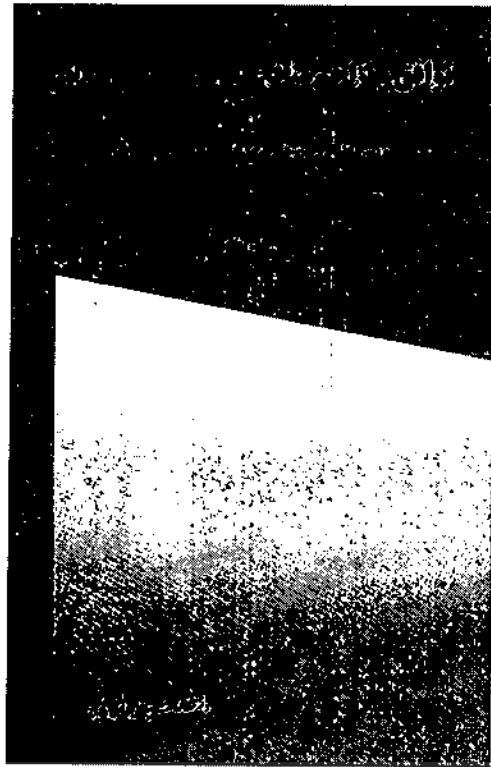


منافع ملی و مصالح اسلامی در اندیشه و رفتار سیاست خارجی



معرفی و نقد کتاب:

توافق و تزاخم منافع ملی

و مصالح اسلامی

”بررسی تطبیقی سیاست خارجی

دولتهای ملی و اسلامی”

مؤلف: هادی نخعی

ناشر: وزارت امور خارجه

● علی عنایتی شبکلابی

دفتر مطالعات سیاسی سازمان تبلیغات اسلامی

جمهوری اسلامی ایران بسیار اندک است. بی تردید کثرت آثار مربوط به سیاست خارجی ایران پس از انقلاب اسلامی که به زبان‌های بیگانه به چاپ رسیده، به هیچ روی قابل مقایسه با آنچه در فارسی به نگارش درآمده نیست. تنوع و گستردگی ادبیات مربوط به سیاست خارجی دوران پس از انقلاب و دلایل ضعف تحقیقات و پژوهش‌های مختلف داخلی خود می‌تواند موضوع بررسی جداگانه‌ای باشد. ولی می‌توان این انتظار را داشت که همراه با گسترش کمی دانشجویان رشته‌های علوم سیاسی و روابط بین‌الملل به طور اخص و رشته‌های علوم اجتماعی به طور اعم در سال‌های اخیر، از یکسو و گسترش انتشارات مربوط به مسایل سیاسی و بین‌المللی از سوی دیگر، پژوهش‌های نظری و کاربرد آن در زمینه سیاست خارجی ایران گسترش یابد.

گسترش این تحقیقات بدون شک هم خدمتی به رشد و ارتقاء دانش اجتماعی و انسانی در سطح آکادمیک کرده و هم می‌تواند در بهسازی روند اجرایی سیاست خارجی به کار آید. سیاست خارجی در هر کشور از جمله میهن ما، مقوله‌ای فراتر از منافع فردی، گروهی و صنفی بوده و آثار و تبعات آن همه مردم را در بر می‌گیرد. به علاوه دامنه اثرات سیاست خارجی به نسل‌های آینده نیز تعمیم می‌یابد و نقاط عطفی تاریخی را فراهم می‌آورد. در راستای چنین فرایندی است که نیاز به پژوهش در امور سیاست خارجی به صورت ضرورتی اجتناب‌ناپذیر جلوه کرده مسئولیت بزرگی را فرا روی جامعه دانشگاهی کشور قرار می‌دهد. بر این اساس از ترجمه و به ویژه تألیف کتاب در زمینه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، خواه مربوط به مباحث نظری و پایه‌ای سیاست خارجی باشیم و خواه مربوط به تصمیم‌گیری و اجرای خط مشی در سیاست خارجی، باید استقبال نمود و آن را به فال نیک گرفت. انتشار کتاب ”توافق و تزاخم منافع ملی و مصالح اسلامی، بررسی تطبیقی سیاست خارجی دولت‌های ملی و اسلامی“ قدمی هر چند کوچک اما شایسته ستایش است. ضمن اینکه هادی نخعی مؤلف محترم کتاب یاد شده این جرأت و جسارت را به خود داده است که به بررسی و نگارش در زمینه یکی از کلیدی‌ترین، و حساس‌ترین موضوع‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بپردازد.

سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران به لحاظ ساختارهای جغرافیایی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی و نیز گرایش‌های اعتقادی و آرمانی در بین کشورهای جهان، وضعی ویژه و منحصر به فرد دارد. این انحصاری بودن، عمدتاً به دلیل جایگاه و نقش مذهب در اصول و اهداف سیاست خارجی ایران است. البته در عین تأکید بر این جنبه انحصاری باید توجه داشت که ایران یکی از اعضای جامعه بین‌المللی است. کتاب ”توافق و تزاخم منافع ملی و مصالح اسلامی“ در واقع با هدف تشریح این دو جنبه در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نگاشته شده است.

از محاسن کتاب، یکی این است که مؤلف محترم، به همه ابعاد موضوع مورد بررسی توجه نموده و مجموعه

ترددی نیست که سیاست خارجی امری سرنوشت‌ساز، جدی و حساس است. با توجه به این مسأله و این واقعیت که سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، مراحل پرفراز و نشیبی را پشت سر گذاشته، کمبود تحقیقات و مطالعات متمرکز در این زمینه، نقیصه‌ای علمی و ملی است. از طرفی، طراحی و اداره سیاست خارجی در عصر حاضر در مقایسه با گذشته دستخوش تحول ساختاری شده و بیش از هر زمان دیگر نیاز به تمرکز مطالعاتی و تحقیقاتی در این زمینه احساس می‌شود. در دهه‌های اخیر سیاست خارجی تمامی کشورها به مرور پیچیده‌تر شده و متغیرهای تأثیرگذار در شکل‌گیری رفتار بین‌المللی همه بازیگران از قالب‌های کهن فراتر رفته است. این وضع در مورد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران به مراتب بیش از هر کشور دیگری صادق است. زیرا انقلاب اسلامی ایران تحول ماهوی، ساختاری و حتی روشی در طراحی، تصمیم‌گیری و اجرای سیاست خارجی به وجود آورده است.

از سوی دیگر در سیاست خارجی باید به متغیرهای نسبتاً ثابتی چون عوامل جغرافیایی، تاریخی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و ژئوپلیتیکی نیز توجه نمود. این وضع، تحقیق در این باره را به مراتب دشوارتر می‌سازد. در چنین فضایی نیاز به مطالعه، تحقیق و بررسی علمی در امور مربوط به سیاست و روابط خارجی ایران ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است.

باید توجه داشت که سیاست خارجی، مقوله‌ای فکری و علمی است که پرداختن به آن نیاز به ذهن منطقی و منسجم، بینش قوی، اطلاعات گسترده و جهت‌گیری مناسب و روش صحیح دارد. در اینجا به عنوان یک واقعیت تلخ باید اذعان کرد که تعداد پژوهش‌های موجود به زبان فارسی درباره سیاست

◀ جایگاه و نقش مذهب در اصول و اهداف سیاست خارجی ایران، یک ویژگی انحصاری به آن می‌بخشد.

البته در کنار این جنبه انحصاری، ایران یکی از اعضای جامعه بین‌المللی است و این کتاب در واقع با هدف تشریح این دو جنبه در سیاست خارجی ایران نگاشته شده است.

عناوینی را که به موضوع مرتبط می‌شود، مورد بحث قرار داده است. نکته دوم، بهره‌گیری از منابع فارسی و انگلیسی متعدد و متنوع، بویژه منابع جدید است. اما در یک نگاه کلی، از نظر محتوا و روش، می‌توان ضعفها و کاستیهایی را در این کتاب، مشاهده نمود.

یکی از ضعف‌های اصلی این است که کتاب دارای سه بخش مستقل و مجزا است و مؤلف نتوانسته است سازگاری و انسجام لازم را در استدلال‌های موجود در این سه بخش برقرار کند. در این کتاب یافته‌ها با یکدیگر، با پیش فرض‌های زمینه‌ساز و با نکات رجوع داده شده نظری و مفهومی سازگار نیستند. مطالب کتاب بدون اینکه از پیوستگی و پیوند منطقی، علمی و منسجم برخوردار باشند موضوع‌های به نسبت پراکنده‌ای هستند که در کنار هم چیده شده‌اند. یعنی در واقع مؤلف نتوانسته است توافق و تزامن منافع ملی و مصالح اسلامی را به گونه‌ای نظام یافته نشان دهد. در همین زمینه هر یک از فصل‌ها و زیر فصل‌های کتاب صرفاً به صورت انتزاعی و مجزا بیان شده‌اند.

بخش اول کتاب در واقع مفاهیم و کلیاتی است که عیناً در هر کتاب نظری مربوط به سیاست خارجی می‌توان آنها را دریافت. همین وضع را در بخش دوم (فصل‌های سوم و چهارم) که مربوط به مباحث نظری سیاست خارجی دولت اسلامی است، نیز می‌بینیم. در بخش سوم که در واقع جدی‌ترین و تازه‌ترین بخش کتاب است، نیز مؤلف نتوانسته است بر اساس عنوان اصلی کتاب، تز خاصی را ارائه دهد. ضمن اینکه در این بخش نیز با وجود اهمیت آن، یک فصل به سیاست خارجی جمهوری اسلامی در قانون اساسی اختصاص یافته که بیشتر به جنبه قانونی و ساختاری اشاره دارد تا به جنبه‌های مفهومی و کارکردی.

همانگونه که اشاره شد تنها فصل از شش فصل کتاب که مستقیم با موضوع مورد بحث همخوانی دارد، فصل پنجم است. بر این اساس در ادامه به برخی از نکات مطرح شده در این فصل اشاره می‌کنیم. مؤلف با طرح الزام‌ها و ضرورت‌های ناشی از دو

مشخصه ملی و اسلامی این پرسش را مطرح می‌کند که آیا "حفظ و تقویت ثبات و رشد اقتصادی و..." در محک و آزمون حوادث مرتبط با اعتقادات الهی و اسلامی جزء ملاحظات سیاسی زودگذر است؟ تمامیت ارضی چطور؟ آیا اعتقادات الهی و اسلامی همواره مرز روشنی برای تصمیم‌گیری دارد؟ (ص ۲۶۹). نخعی خود در پاسخ به این نکته می‌گوید: البته در حد حرف می‌توان از روی مسأله عبور کرد اما برای عمل یکی از ظریف‌ترین و حساس‌ترین برنامه‌ریزی‌ها با بهره‌گیری از دانش اسلامی و نیز ایمان کامل و قطعی به اسلام از یک سو و تبحر و مهارت و دانایی و تسلط علمی از نوع جدید آن در مسایل سیاست خارجی و روابط بین‌الملل از سوی دیگر باید انجام شود و اتفاقاً جمع بین این دو دسته مشخصات که در شرایط کنونی دو دسته جداگانه از نخبگان را شکل می‌دهد، خود بسیار کار مشکل و پیچیده‌ای است (ص ۲۶۹)

همان طور که مؤلف کتاب این نکته را می‌پذیرد، مشکلات یاد شده در ترکیب دو خصیصه ملی و اسلامی، در همه ابعاد نظام مطرح است، اما در بخش سیاست خارجی، به دلیل آنکه در ارتباط با دنیای غیردینی است، وضع، پیچیده‌تر و دشوارتر است.

البته انتظار می‌رفت مؤلف محترم حداقل سعی می‌کرد که از جنبه نظری بدیل‌هایی به منظور یافتن راه‌حلی برای این چالش‌ها مطرح کند، ولی می‌بینیم که در کتاب فقط به کلیات و اظهار نظرهای همیشگی برای یافتن راه‌حلی میانه و جمله تکراری "نه این و نه آن، هم این و هم آن" بسنده شده است، بدون اینکه حتی فرضیه‌هایی در این زمینه مطرح گردد.

به هر حال پرسش اصلی مورد نظر مؤلف در این کتاب این بوده است که آیا امکان برقراری سازگاری میان منافع ملی و مصالح اسلامی وجود دارد؟ اگر چه این پرسش نه به طور آشکار مطرح شده و نه پاسخ قابل توجهی به آن داده شده است. بر این اساس هنوز این پرسش در جای خود باقی است تا پژوهشگران و کارشناسان سیاست خارجی برای یافتن پاسخی مناسب برای آن بکوشند.

با وجود این کاستیها، کتاب یاد شده، همچنان ارزش مطالعاتی دارد. بویژه از آن حیث که ما را به تفکر در این قلمرو مهم و آداب می‌سازد. به همین جهت، مطالعه آن به همه پژوهشگران و علاقمندان بویژه دانشجویان رشته‌های سیاسی و روابط بین‌الملل، توصیه می‌شود.

پانویس:

۱- در ویژه نامه اسلام و سیاست خارجی، مجله سیاست خارجی، سال دهم، شماره ۱ (بهار ۱۳۷۵) و نیز توسط معنود کتاب‌هایی که در زمینه سیاست خارجی ایران توسط نویسندگان داخلی، تألیف شده، نقش اسلام در سیاست خارجی مورد بحث واقع شده است. در این زمینه می‌توانید نگاه کنید به:

ابراهیم امینی، سیاست خارجی حکومت اسلامی، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۴۰.

ابوالفضل شکوری، فقه سیاسی، جلد دوم: اصول سیاست خارجی، بی‌جا، بی‌نا، ۱۳۶۱. □

نقد و بررسی کتاب:

مبانی

جامعه‌شناسی سیاسی

مؤلف: محمد آراسته‌خو

ناشر: گزینش

● اصغر افتخاری

روابط دولت و جامعه، به خصوص تأثیراتی که جامعه بر روی دولت می‌گذارد از جمله موضوعات مهمی است که ذهن انسان معاصر را به خود مشغول داشته و جذابیت و اهمیت جامعه‌شناسی سیاسی نیز از آن‌جا ناشی می‌شود که دقیقاً به مطالعه پیرامون همین موضوع اختصاص دارد. از این حیث، عنوان حاضر برای دانش پژوهان این حوزه، جاذبه داشته و اگرچه متعاقب چندین کتاب دیگر با همین عنوان، منتشر شده، باز هم ضرورت وجودی خود را حفظ می‌کند. با وجود این، با نگاه به محتوای کتاب، معلوم می‌شود، بهترین قسمت کتاب، همان عنوان آن می‌باشد و آلا از حیث محتوایی، نگارشی و روش شناختی، دارای اشکالات متعددی می‌باشد که برای رفع آنها باید اقدام جدی صورت گیرد. جلد اول از این مجموعه به بررسی سه موضوع ایدئولوژی، دولت و دموکراسی اختصاص دارد که عناوین سه فصل اصلی اثر را نیز شکل می‌دهد. از آن‌جا که این اثر مجلدات دیگری هم خواهد داشت توجه به نقد ذیل جهت هرچه بهتر شدن اثر توصیه می‌شود.

الف - اشکالات محتوایی

۱- از حیث موضوعی مطالب مطروحه در کتاب در موارد بسیاری، از قلمرو مسائل جامعه‌شناسی سیاسی خارج است. همان‌گونه که در ابتدای این نوشته آمد، جامعه‌شناسی سیاسی، علمی تازه و نوپا می‌باشد که در بستر سیاست و جامعه‌شناسی رویداده و لیکن رسالت آن نه بیان موضوعات دو علم سیاست و جامعه‌شناسی بلکه فهم روابط جامعه و دولت است. لذا اگر از این مهم غفلت شود، نتیجه سخن چیزی نخواهد بود مگر بیان مطالب پراکنده‌ای از سیاست و جامعه‌شناسی در مجموعه‌ای